

نگاهی به رابطه مصرف گاز طبیعی در رشد اقتصادی و اولویت‌بندی مصرف گاز در کشور

دفتر تحقیقات و سیاست‌های بخش‌های تولیدی

فرزانه دیل^۱ و مریم قنبرزاده^۲

انرژی یکی از مهم‌ترین ارکان اساسی چرخه اقتصادی است و در این میان گاز از جمله مهم‌ترین حامل‌های انرژی است که نه تنها در تحول جامعه صنعتی نقش اساسی دارد، بلکه به لحاظ زیست‌محیطی نیز حائز اهمیت می‌باشد. وجود ذخایر عظیم گاز طبیعی در ایران، ارزان‌بودن آن نسبت به دیگر فرآورده‌های نفتی و گسترده‌گی شبکه گازرسانی در کشور انتخاب این سوخت را به عنوان سوخت جانشین، از لحاظ اقتصادی، توجیه‌پذیر می‌نماید. این درحالی است که به دلیل سرمایه‌بر بودن این صنعت و تضییقات مالی، امکان افزایش ظرفیت تولید در کشور با محدودیت‌هایی مواجه شده است. از سوی دیگر، با ایجاد نگرانی‌های فزاینده در مورد اتمام منابع نفتی و احساس خطر نسبت به آلودگی محیط‌زیست، گاز طبیعی به عنوان سوخت برتر قرن حاضر مطرح شده است که در صورت توسعه فناوری و ایجاد زمینه استفاده گسترده‌تر از آن در بخش‌های مختلف اقتصادی اهمیت این منبع انرژی در قرن حاضر دوچندان خواهد شد.

در این گزارش مطالعات مربوط به مصرف گاز و امکان جایگزینی آن با سوخت‌های دیگر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و ضمن بررسی رابطه گاز طبیعی با رشد اقتصادی و اولویت‌بندی مصرف گاز، توصیه‌هایی در زمینه امکان جایگزینی بیشتر گاز طبیعی با دیگر فرآورده‌های نفتی ارائه شده است.

farzanehdail@yahoo.com

maryam.ghanbarzadeh64@yahoo.com

۱. رئیس گروه تحقیقات و سیاست‌های انرژی و مسائل جهانی آن.

۲. کارشناس ارشد علوم اقتصاد.

بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده در سطح کشور در بخش مصرف گاز طبیعی همواره سه موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این موضوعات عبارتند از رابطه مصرف گاز طبیعی و رشد اقتصادی، اولویت‌بندی مصرف گاز طبیعی در بخش‌های مختلف و امکان جانشینی گاز طبیعی با فرآورده‌های نفتی در کشور.

رابطه مصرف گاز طبیعی و رشد اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران دومین کشور دارنده منابع گازی در جهان محسوب می‌شود. وجود منابع عظیم گاز و ارزان بودن قیمت آن در کشور از یک سو و سیاست‌های انرژی کشور از سوی دیگر به رشد فزاینده شدت مصرف گاز طبیعی در کشور آن هم در بخش‌هایی نظیر خانگی و تجاری منجر شده است. این در حالی است که بخش‌های مذکور نسبت به نیروگاه‌ها و صنایع انرژی‌بر، اثرگذاری به مراتب کمتری بر توسعه اقتصادی کشور دارند. نتایج مطالعات (اصغرپور، بهبودی و قزوینیان) (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که بدون در نظر گرفتن شکست ساختاری یعنی عوامل برون‌زای اقتصادی، اجتماعی - سیاسی، تغییر الگوی مصرف انرژی و مصرف گاز، بین مصرف کل گاز طبیعی و رشد اقتصادی رابطه بلندمدت مثبت وجود دارد. همچنین در مطالعه (آرمن و زارع، ۱۳۸۳) با استفاده از اطلاعات سری زمانی ایران طی دوره (۱۳۸۱-۱۳۴۶) و با بکارگیری روش‌های تودا و یاماتو و تصحیح خطا به بررسی رابطه علیت بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی پرداخته شده است. مطابق نتایج به دست آمده رابطه علیت یک سویه از رشد اقتصادی به مصرف گاز طبیعی وجود دارد. نتایج حاصل از برآورد مدل‌های تصحیح خطا نیز نشان داد که در کوتاه‌مدت و بلندمدت یک رابطه علیت یک سویه از رشد اقتصادی به مصرف گاز طبیعی تنها در بلندمدت وجود دارد. نتایج مطالعه (نجارزاده و عباس محسن، ۱۳۸۳) طی دوره زمانی (۱۳۸۱-۱۳۵۰) حاکی از آن است که یک رابطه علیت دو سویه بین مصرف گاز و رشد بخش‌های اقتصادی در ایران وجود دارد. بنابراین اگرچه در خصوص جهت رابطه ابهاماتی وجود دارد، اما کلیه این مطالعات، وجود ارتباط بین رشد اقتصادی و مصرف گاز طبیعی را تأیید می‌کنند.

اولویت‌بندی مصرف گاز در بخش‌های مختلف

روند فزاینده تقاضای جهانی برای حامل‌های انرژی، محدودیت در تولید و عرضه نفت خام و لزوم جایگزینی حامل‌های انرژی پاک افق گسترده‌ای برای ایفاء نقش گاز طبیعی و مشتقات آن به عنوان سوختی پاک در سطح جهان گشوده است. با این حال، محدودیت‌های تولید و عرضه گاز طبیعی و فرآورده‌های حاصل از آن در کشور و عدم وجود الگوی بهینه مصرف این فرآورده از جمله چالش‌های

مهم تصمیم‌گیران بخش انرژی کشور است. از این‌رو، نخستین گام در راستای اصلاح الگوی مصرف گاز طبیعی اولویت‌بندی مصرف و تخصیص بهینه منابع گاز طبیعی به بخش‌های مختلف مصرف‌کننده است. در همین راستا، نتایج مطالعه (محرر، مهرگان و ابوالحسنی، ۱۳۸۶) حاکی از آن است که تزریق گاز طبیعی به میادین نفتی اولویت اول مصرف است و پس از آن به ترتیب بخش‌های حمل و نقل، صنایع گازبر به طور مشترک، نیروگاه‌ها، بخش‌های خانگی، تجاری و عمومی، صادرات گاز طبیعی مایع شده (LNG به وسیله تانکر)، صادرات گاز طبیعی (NG به وسیله خط لوله) و صنایع پتروشیمی به ترتیب دومین تا هفتمین اولویت مصرف را به خود اختصاص دادند. از سوی دیگر، شاخص امنیت انرژی مهم‌ترین شاخص و شاخص‌های کارایی مصرف انرژی، ارزش افزوده، امنیت ملی در سطح بین‌المللی و تأثیرات توسعه‌ای به ترتیب دومین تا پنجمین شاخص مهم برای اولویت‌بندی بخش‌های مختلف مصرف انرژی شناخته شدند.

همچنین، نتایج مطالعه (زمانی، شریفی، خوش‌اخلاق و دین‌محمدی، ۱۳۸۸) نشان می‌دهد که اولویت و مقدار بهینه تخصیص گاز به مصارف مختلف در سال‌های آینده تابعی از محدودیت‌های تولید گاز، سیاست انرژی، نرخ تنزیل زمانی بین مصرف حال و آینده، هدف‌گذاری تزریق برای حفظ فشار مخازن، فشار افزایشی متوسط یا بالای مخازن نفت و واردات گاز است. در نرخ تنزیل پایین، تزریق گاز به مخازن بر صادرات گاز اولویت مطلق دارد. در این حالت تخصیص گاز به تزریق اولویت پیدا می‌کند و مازاد گاز می‌بایست به صادرات تخصیص یابد، اما در نرخ تنزیل بالاتر مصرف حال و آینده، تزریق گاز اولویت مطلق بر صادرات گاز ندارد و مقدار بهینه دو متغیر همزمان تعیین می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که در سال‌های مورد بررسی امکان تخصیص گاز به تزریق متناسب با سناریوی حفظ فشار موجود مخازن و صادرات گاز وجود نخواهد داشت و کشور با تراز منفی گاز مواجه خواهد بود. نتایج تحلیل سناریوهای مختلف این مطالعه نشان می‌دهد که پیگیری استراتژی تبدیل شدن ایران به صادرکننده بزرگ گاز در دو دهه آینده با هدف حداکثرسازی منافع اقتصادی کشور سازگار نیست.

امکان جانشینی گاز طبیعی با فرآورده‌های نفتی در ایران

در مطالعه (اشراق‌نای جهرمی و ایقانی یزدلی، ۱۳۸۷) موضوع جانشینی گاز طبیعی با فرآورده‌های نفتی (بنزین، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره و گاز مایع) از طریق مدلسازی در دو قالب مختلف در سه بخش اقتصادی (خانگی - تجاری، صنعت و حمل و نقل) مورد بررسی قرار گرفته است. مطابق این مطالعه کشش قیمتی گاز طبیعی به دلیل پایین بودن سطح قیمت انرژی در کشور بسیار پایین است، با این حال علامت متغیر قیمت گاز طبیعی تقریباً در تمام توابع تقاضای فرآورده‌های نفتی

مثبت بوده است. این امر حکایت از این دارد که با توجه به وجود ذخایر عظیم گاز طبیعی در کشور دولت می‌تواند سیاست جانشینی گاز طبیعی به جای فرآورده‌های نفتی را با اعمال قیمت‌گذاری ارزان گاز طبیعی در برابر افزایش نسبی قیمت فرآورده‌های نفتی در بخش‌های مختلف اقتصادی دنبال کند. پیش‌بینی تقاضای گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی تا سال ۱۳۹۵ نشان داد که اگر قیمت فرآورده‌های نفتی به طور متوسط بین ۷ تا ۱۷ درصد و همزمان قیمت گاز طبیعی به طور متوسط بین صفر تا ۳ درصد افزایش یابد، سهم گاز طبیعی در تأمین سوخت مصرفی بخش‌های خانگی-تجاری، صنعت و حمل و نقل روندی صعودی را طی خواهد کرد. بدین ترتیب براساس نتایج به دست آمده از این تحقیق از لحاظ نظری و عملی جانشینی گاز طبیعی به جای فرآورده‌های نفتی در بخش‌های مختلف اقتصادی امکان‌پذیر است، به طوری که در حال حاضر نیز این در دستور کار دولت قرار دارد و در حال اجرا می‌باشد.

مطالعه همتی واشرفی (۱۳۸۴) نیز با بررسی ابعاد اقتصادی و مسائل زیست‌محیطی بر جایگزینی گاز فشرده به جای بنزین و گازوئیل بر این موضوع صحنه می‌گذارد که منافع این جایگزینی بیشتر از هزینه‌های آن است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه ذخایر نفت خام بر اثر تداوم تولید و مصرف آن به سرعت در حال تخلیه است ایجاد تغییر در ترکیب و الگوی مصرف انرژی کشور با هدف کاهش سهم نفت در این ترکیب و جایگزینی دیگر منابع انرژی به ویژه گاز طبیعی ضروری به نظر می‌رسد. مطالعات انجام شده در زمینه وجود رابطه بین مصرف گاز طبیعی و رشد اقتصادی حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار رشد اقتصادی و مصرف گاز طبیعی می‌باشد، اگر چه مطالعات انجام شده جهت این رابطه علی را به درستی روشن نمی‌کند. در رابطه با اولویت‌بندی مصرف گاز نیز مطالعات نشان می‌دهند که تزریق گاز به مخازن نفت کشور از نقطه نظر تأمین منافع اقتصادی کشور نسبت به صادرات آن در اولویت قرار دارد. به علاوه، مصرف انرژی در تمام بخش‌های مصرف‌کننده لزوماً منجر به افزایش برابر رشد اقتصادی نمی‌شود، بلکه با مدیریت صحیح و تخصیص بهینه مصرف به بخش‌هایی چون حمل و نقل، صنعت و بخش نیروگاهی می‌توان این رابطه را تقویت کرد. این در حالی است که بخش حمل و نقل و صنعت در انتشار مواد آلاینده نقش اساسی دارند و استفاده از گاز طبیعی به عنوان سوخت پاک برای بخش حمل و نقل و نیز نیروگاه‌ها می‌تواند نقش بسزایی در کاهش آلاینده‌های محیط‌زیست داشته باشد.

همچنین مطالعات انجام شده گویای این مطلب است که کشش قیمتی مصرف گاز طبیعی در کشور بسیار پایین است و این امر امکان افزایش قابل توجه قیمت گاز در کشور بدون کاهش قابل توجه مصرف را ممکن می‌سازد. با این حال با توجه به علامت مثبت کشش قیمتی مصرف سایر فرآورده‌های نفتی نسبت به قیمت گاز طبیعی در مسیر اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها امکان افزایش بیشتر قیمت سایر فرآورده‌ها نسبت به قیمت گاز طبیعی وجود دارد و این امر می‌تواند ضمن اصلاح ترکیب مصرف انرژی در کشور از طریق جایگزینی مصرف گاز منافع اقتصادی ناشی از این جایگزینی را در ابعاد قیمت سایر فرآورده‌های نفتی افزایش دهد. شایان توجه آنکه امکان افزایش قیمت سایر فرآورده‌های نفتی نسبت به گاز طبیعی بیش از ۲ برابر برآورد شده است.

منابع

- اصغرپور، بهبودی و قزوینی (۱۳۸۷)، "شکست ساختاری: مورد مصرف گاز طبیعی و رشد اقتصادی در ایران"، *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان، صص ۱۰۵-۲۲.
- آرمن و زارع (۱۳۸۶)، "بررسی رابطه علیت گرنجری بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۴۶)"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال هشتم، شماره ۲۴، صص ۱۴۳-۱۱۷.
- نجارزاده و عباس محسن (۱۳۸۳)، "رابطه بین مصرف حامل‌های انرژی و رشد بخش‌های اقتصادی در ایران"، *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، سال اول، شماره ۲، پاییز.
- محقق، مهرگان و ابوالحسنی (۱۳۸۶)، "به کارگیری تکنیک‌های تصمیم‌گیری در اولویت‌بندی مصرف و تخصیص بهینه گاز طبیعی با رویکرد فازی"، *فصلنامه مطالعات انرژی*، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار، صص ۱۱۹-۹۱.
- زمانی، شریفی، خوش‌اخلاق و دین‌محمدی (۱۳۸۸)، "تعیین اولویت‌های کاربرد ذخایر گازی ایران"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال نهم، شماره سوم، پاییز، صص ۱۸۲-۱۵۱.
- اشراق‌نای جهرمی و ایقانی یزولی (۱۳۸۷)، "مدلسازی مصرف گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی و بررسی امکان جانشینی گاز طبیعی به جای فرآورده‌های نفتی در ایران"، *مجله علمی و پژوهشی شریف*، شماره ۴۵، دی.
- همتی و اشرفی (۱۳۸۴)، "بررسی منافع حاصل از جایگزینی گاز طبیعی فشرده به جای سوخت در بخش حمل و نقل جاده‌ای"، *پروژه‌نامه اقتصادی*، زمستان، صص ۱۴۶-۱۱۵.

